

هانا آرت

درس گفتارهای

فلسفه سیاسی کانت [داوری]

به اهتمام و ویراست رونالد بینر

جلد ۴ و اضافات: فرهنگ رجایی



سروش‌نامه: آرنت، هانا، ۱۹۰۶ - ۱۹۷۵ م.

Arendt, Hannah

عنوان و نام پدیدآور: درس گفتارهای فلسفه سیاسی کانت [داوری] / هانا آرنت؛ به اهتمام و

ویراست رونالد بیتر؛ ترجمه و اضافات فرهنگ رجایی.

مشخصات نشر: تهران: انتشارات دمان، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص؛ ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹-۶۷۳-۹

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان اصلی: Lectures on Kant's political philosophy, 1982.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۷۲.

عنوان دیگر: درس گفتاری در باب فلسفه سیاسی کانت.

موضوع: کانت، ایمانوئل، ۱۷۲۴ - ۱۸۰۴ م.

موضوع: kant, Immanuel

شناسه افزوده: بیتر، رونالد، ۱۹۵۳ - م.، گردآورنده، ویراستار

Beiner, Ronald

شناسه افزوده: رجایی، فرهنگ، ۱۳۳۱ - مترجم

Rajaei, Farhang

رده بندی کنگره: JC1۸۱

رده بندی دیویی: ۳۲۰/۰۱۰۹۲۴

شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۶۲۶۹۸

درس گفتارهای

فلسفه سیاسی کانت [داوری]

هانا آرنت

به اهتمام و ویراست رونالد بیتر؛ ترجمه و اضافات: فرهنگ رجایی

مدیر هنری: حمید درویش

ویراستاران: زهرا رشیدی، سحر قاسم مؤمنی

صفحه آرا: احمد پور

شمارگان: ۵۰۰ نسخه شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۵۹-۶۷۳-۹

لیتوگرافی: اطلس چاپ، چاپ و صحافی: رمان

حق چاپ محفوظ است.



انتشارات دمان

برای خرید کتاب‌های انتشارات دمان به سایت زیر مراجعه کنید.

www.ketabweb.com

فهرست

۷	درباره نویسنده، کوشنده و مترجم
۱۱	مقدمه مترجم
۱۷	مقدمه کوشنده، رونالد بینر
۲۱	بخش اول: متون آرنست
۲۳	اول: پی‌نوشت بر جلد تفکر
۲۹	دوم: در فلسفه سیاسی کانت
۱۲۹	سوم: تخیل
۱۳۹	بخش دوم: جستارنوشت تحلیلی و مصاحبه
۱۴۱	چهارم: هانا آرنست در «داوری»
۲۴۳	پنجم: گفت‌وگو با رونالد بینر
۲۶۵	منابع
۲۶۷	نمایه

مقدمه مترجم

در میان اساتید و تفکرین جهان جدید در خصوص امرسیاسی و شناخت‌شناسی آن یعنی «انسان‌شناسی» یا به زبان فاخر تنسر، موبد عصر ساسانی، «قانون عقل جهان‌داری»، هارنوت نادر و یگانه است، زیرا جوهر و سرشت امرسیاسی را به دقت دریافته و به کارش برای تبیین جنبه‌های گوناگون آن است؛ از این رو به درستی خود را «اندیشه‌ورز» یا «نظریه‌پرداز» و نه «فیلسوف سیاسی» یا «دانشمند» می‌داند (آرنت، ۲۰۱۳). بنا بر این سیاست، همان‌طور که این لقب نشان می‌دهد، دوستدار امرسیاسی است و دانشمند مدعی است آن را می‌شناسد، اما آرنت متواضعانه می‌گوید من در جهت فهم عمیق‌تر امرسیاسی به اهتمام اندیشه‌ورزی مشغولم. از طرفی، ضمن اینکه این ادعا در خصوص شخص خودش متواضعانه است، در مورد امرسیاسی ادعای بزرگی است. استقلال این سپهر مهم برای توضیح وضع بشر است. وی برعکس بسیاری، حق‌غول‌هایی مانند مارکس، امرسیاسی را به تعبیر درست کاشف آن، ارسطو، «سرآمد علوم» می‌داند و به موضوعی حاشیه‌ای و صفت برای دیگر حوزه‌ها تقلیل نمی‌دهد که مثلاً در ترکیب «فلسفه سیاسی»، «اقتصاد سیاسی»، «جامعه‌شناسی سیاسی»، «جغرافیای سیاسی» یا حتی «انسان‌شناسی سیاسی» وجود دارد. مانند ارسطو بر آن است که وضع بشر همانا سیاسی بودن وی است و انسان از این رو «حیوان سیاسی» است که انسانیتش در کثرت زندگی در عرصه عمومی با انسان‌های دیگر

ظاهر می‌شود و تحقق می‌یابد. بیان روشن‌کننده آرنست چنین است: «هیچ زندگی انسانی، نه حتی زندگی معتکفی که در بخش دورافتاده‌ای از طبیعت گوشه گرفته است، بدون جهانی که، مستقیم یا غیرمستقیم، بر حضور دیگران گواهی بدهد امکان‌پذیر نیست» (۱۹۵۸: ۲۲، ترجمه: ۶۵). آرنست این فقره را آنجا صریح‌تر بیان می‌کند که عرصه عمومی یا سپهر همگانی را تحلیل می‌کند. به زعم وی، حضور دیگران منشأ اطمینان و آرامش است و انسان مطمئن با آرامش به شکوفایی و تحقق خویش می‌پردازد: «حضور دیگران، که هر آنچه می‌بینیم آنها نیز می‌بینند، و هر آنچه می‌شنویم می‌شنوند، در ما احساس اطمینان و خاطر جمعی در مورد جهان برمی‌انگیزد» (همان: ۵۰، ترجمه: ۹۴).

در بن معنای هر آنچه آرنست تألیف کرده است به امر سیاسی مربوط می‌شود و در جهت پرتاب کنی روشن‌کنندگی جنبه‌ای از آن است. در عین حال، از سرمشق‌گیری از ادبیات ملو یک درجه هم متواضع‌تر است و به خود اجازه نمی‌دهد چون ارسطو مدعی شود: «انسان به سرشت سیاسی است». وی با یکی از معلمان با بصیرت نگارنده در دوره تحصیلات عالی، اینیس کلاذ (۱۹۲۲-۲۰۱۳، اندیشه‌ورز آمریکایی)، هم‌کلام است که نمی‌تواند آن‌می را با مشتقات فعل «بودن» توصیف و تبیین کرد، بلکه انسان در وضعیت‌های مختلف به وجهی خاص عمل یا ترک عمل می‌کند. از اینجاست که در اثر ژرف خود، به صراحت بیان می‌دارد کسی قادر نیست راجع به چیستی بشر قاطعانه نظر بدهد، اما می‌توان در مورد کیستی بشر بحث کرد. هانا آرنست، متمایز از دیگر فاشیست‌ها، گزاره‌های مربوط به چیستی بشر را کنار زده و مطلق کردن انسان را در وجهی خاص چیزی جز احوال دیدن نمی‌داند. به بیان خود وی،

به نظر، پرسش از طبیعت انسان... هم در معنای روان‌شناسانه فردی و هم در معنای فلسفی عام بی‌پاسخ باشد. بسیار بعید است که ما — انسان‌هایی که قادریم ذات طبیعی همه چیزهای پیرامون خود را، که ما از آن نوع نیستیم، تعریف و مشخص کنیم — هرگز بتوانیم در مورد خود چنین

کاری انجام دهیم؛ این کار مانند پریدن از روی سایه خویش است. افزون بر آن، هیچ چیز به ما مجوز نمی‌دهد فرض کنیم انسان مانند چیزهای دیگر فطرتی طبیعی دارد. به بیان دیگر، [حتی - م.] اگر ما طبیعت یا فطرتی داشته باشیم، قطعاً فقط خداوند قادر است آن را بشناسد و تعریف کند. ... به همین دلیل، کوشش‌ها برای تعریف طبیعت انسان تقریباً بدون استثنا به شالوده‌سازی یک خدا [موجودی خداگونه - م.] منجر شده است (آرنت، ۱۹۵۸: ۱۰-۱۱، ترجمه: ۴۷).

یکی از پندهای کبستی انسان این می‌شود که انسان با اعمال خود در «زندگی‌ها»یی که ما به خود می‌گذاریم انسان‌ورزی، اندیشه‌ورزی و نظریه‌پردازی می‌کند یعنی کنایه بوجه شود «زندگی» را در صیغه جمع به کار برده‌ام، زیرا آرنت حداقل از دو نوع «- بات عمل» و «حیات ذهن» آدمی یاد کرده، در خصوص آنها تعمق کرده و آنها را همی به جا گذاشته است. آرنت «حیات عمل» را در کتاب وضع بشر تحلیل می‌کند. سارا ناضر درباره بخشی از «حیات ذهن» است که آرنت آن را «داوری» خوانده است. در کتابی که با عنوان حیات ذهن از وی برای بشریت به جا مانده است، سه جنبه از حیات ذهن آدمی به بحث گذاشته شده است: «تفکر، اراده و داوری»؛ دو جنبه اول قبلاً فارسی ترجمه شده‌اند، و حالا این بخش به فارسی‌زبانان تقدیم می‌شود.

همان‌طور که کوشنده و ویراستار این بخش در مقدمه خود بیان داشته است، بسیاری از دانشجویان آرنت محتوای این بخش را «نگین دست‌نویس آرنت» می‌دانند. در موضوع و عنوان این بخش، یعنی «داوری»، متناقض‌نمایی عظیم نهفته است. از یک سو، انسان فی‌نفسه منفرد، مجرد، فرد، تنها و موظف به تحقق اصالت فردی خویش باید تا می‌تواند از داوری و قضاوت، در معنای دیگران را محک زدن، دوری کند، اما از سوی دیگر برای انسان‌ورزی چاره‌ای جز داوری ندارد، زیرا در کناکش دائم با خویشتن خویش، دیگران و جهان خارج است و لذا از حزم و دوراندیشی گریزی ندارد. چگونه می‌توان همیشه در موقعیت داوری قرار داشت، اما به کمترین داوری‌ای اقدام کرد؟